

صرط

غناى فوق العاده در فقه امامیه نهفته است



فقه مصطلح اسلامی، متضمن مجموعه کاملی از مباحثی است که در عرف علمی امروز علم حقوق نامیده می‌شود و دارای عرصه‌های متنوعی است که مجموعاً متکفل تنظیم روابط میان افراد جامعه بشری است و نظامات و مقررات حاکم بر زندگی بشر از جهات گوناگون را شامل می‌شود. افزون بر این فقه، روابط میان انسان با خدا را نیز در قالب احکامی متین و مشروح، مشخص می‌سازد که علم حقوق از این بخش، بیگانه است و بدین ترتیب، فقه مصطلح اسلامی از علم حقوق مصطلح جهانی، بسی گسترده‌تر است. و در میان فقه مذاهب مختلفی، فقه امامیه که متخذ از مذهب

اهل بیت(ع) است دارای ذخیره‌های گرانبها و دریای عمیقی از تحقیق و تفریع است که نظیر آن را در فقه مذاهب دیگر اسلامی نمی‌توان یافت و این به فقه شیعه غناى فوق‌العاده و بی‌همانند بخشیده است.

از آغاز پیدایش فقه تفصیلی و استدلالی در شیعه در قرون چهارم هجری تا امروز، این دانش دینی روزبه‌روز گسترده‌تر و باکیفیت‌تر گشته و به تدریج از اسلوب و روش استنباطی متفن و استوار که همان روش فقاقت است و علم‌اصول فقه، عهددار تدوین و تحکیم اجزا و اصول آن است، برخوردار شده است.

پیام به نخستین گنگره علمی تخصصی دایره‌المعارف فقه اسلامی ۷۳/۱۱/۱۴

و هوا نیست.

فقه مالکی

مالک بن انس، از شاگردان امام جعفر صادق(ع) از دیگر بنیانگذاران تفکر فقه اجتهادی در میان اهل سنت است. اثر مهم فقهی مالک کتاب «الموطأ» است. مالکی‌ها در جهان بینی غالباً اشعری مسلک هستند.

مالک در منابع اجتهادی که برای فقها بر می‌شمرد، علاوه بر کتاب، سنت، فتاوی مصالح مرسله و استصحاب، عمل اهل مدینه را نیز در زمره منابع دینی یاد کرده است.

فقه‌های مالکی، کتاب، سنت، قول صحابی، اجماع اهل مدینه، مصالح مرسله و قیاس منصوص‌العله را به عنوان منابع اجتهاد پذیرفته‌اند که در این میان اتکا به قول صحابی به واسطه اینکه با با داشت از آیات همه صحابه را نیز جزو دستگاران می‌دانند حائز اهمیت است.

اجماع اهل مدینه

منظور از اجماع اهل مدینه توسط مالکی‌ها این است که اگر همه اهل شهر مدینه بر امری اتفاق نظر کنند و هیچکس مخالف نباشد، می‌توان

حلی است.

مصالح مرسله

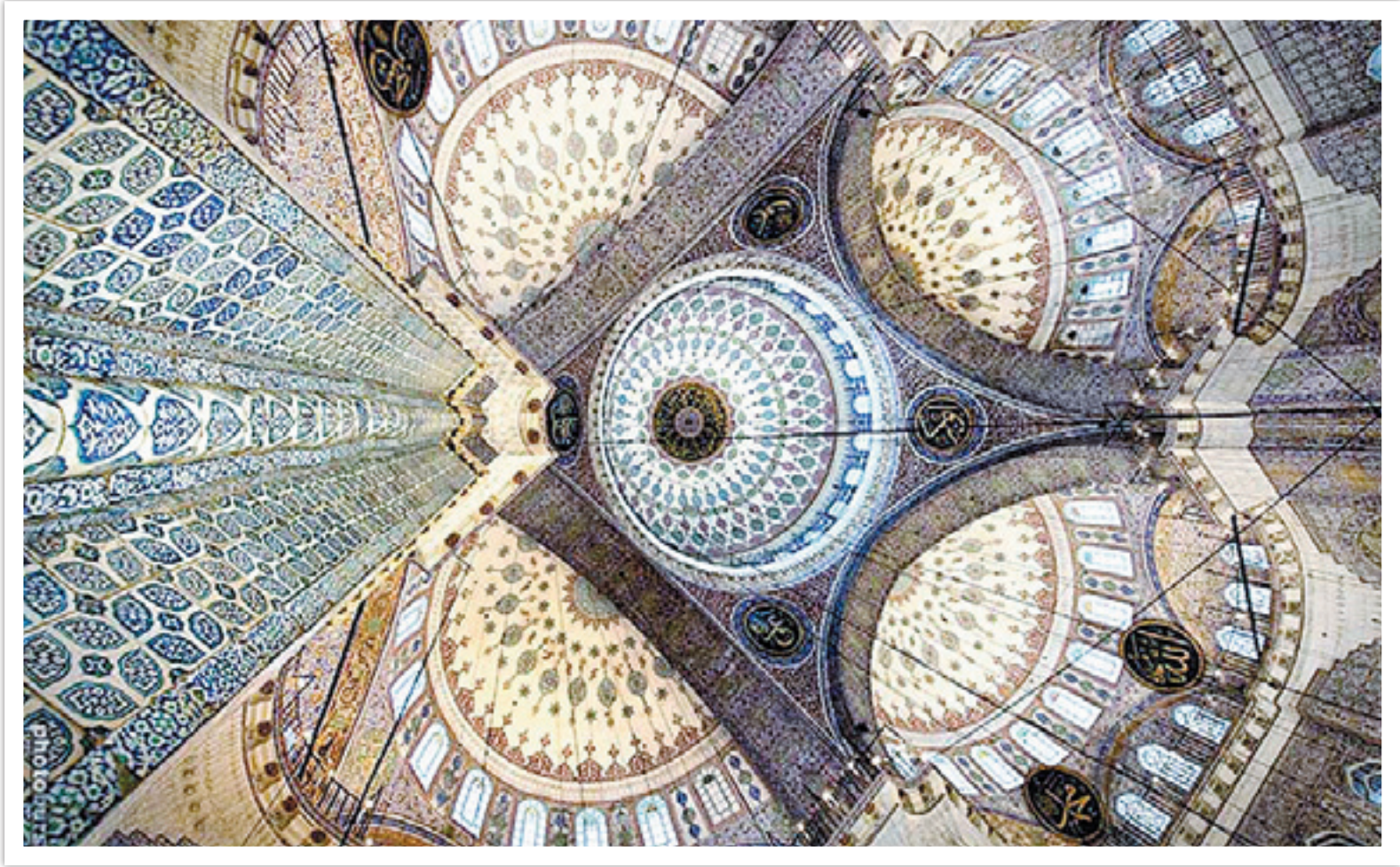
مصالح مرسله به عنوان یکی دیگر از مصادر فقهی اهل سنت، از منابع جائز اجتهاد نزد مالکی‌هاست که نزد بعضی از مذاهب اهل سنت برای استنباط احکام شرعی پذیرفته شده است.

مصالح مرسله به معنای حفاظت یا دفع ضرر در مواقع خاص از دین، نفس و عقل مال و نسل انسان‌هاست. از این دیدگاه اصطلاح، به معنای محافظت از مقاصد شارع می‌آید.

از مهم‌ترین مقاصد شارع و شریعت، حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال انسان‌ها است. هر چیزی که سبب حفظ این مقاصد شود مصلحت و هر چه سبب از بین رفتن آنها گردد، مفسده است.

مصلحتی که شارع نسبت به اعتبار یا الغای آنها سکوت کرده و هیچ یک را تصویب و امضا ننموده است.

اگر بخواهیم سه مثالی بر این منبع اجتهادی رجوع کنیم، می‌توانیم جنگی را نام ببریم که بین سپاهیان و هرگاه بین مسلمین و کفار جنگی در گیر شود و چون تئور حرب زبانه



بررسی منابع اجتهاد در فقه شیعه و اهل سنت

ریشه‌های تفاوت در مصادر صدور فتوای فریقین

محمد خدا پرست

چنانچه در تاریخ فقه و استعمال این واژه در عهد معصومین نظر بیفکنیم، می‌توانیم در بایم واژه فقه و فقاقت در عصر پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) رواج داشته است و یا توجه به اینکه خود «فقه» برگرفته از عبارت قرآنی متداول «تفقه» است طبیعتاً در بیان ائمه نیز این کاربرد مشهود است، اما آنچه حائز اهمیت است نوع کاربرد قرآنی واژه فقه و نسبت آن با انگاشت کنونی از فقاقت است

و اینکه ائمه معصومین(ع) با کدام روایت این لفظ را استعمال می‌نموده‌اند. فقه در فرهنگ قرآنی به همان معنای لغوی، یعنی بصیرت و ریزبینی و ادراک دقیق -در مجموعه دین نه فقط احکام- استفاده شده است. در این کاربرد فقیه نیز به کسی گفته می‌شود که به مجموعه مسائل و مفاهیم دینی اعم از اعتقادات، اخلاق و احکام، آگاهی لازم را داشته باشد و اسلام‌شناس به معنای جامع کلمه باشد.

استفاده از واژه فقه در معنی عام

این نکته، خصوصاً با ملاحظه روایات فریقین(دو مذهب شیعه و سنی) که ویژگی‌هایی را برای عنوان «فقیه» ذکر می‌کند و آثار و نشانه‌هایی را برای «فقه» بر می‌شمرد، قابل یاور است. ویژگی‌ها و نشانه‌هایی که قطعاً به صرف آشنایی با احکام حلال و حرام و تفریعات طلاق، لعان، بیع و اجاره، بدون فراگیری معارف و معیارهای اخلاقی، حاصل نمی‌گردد، نظیر برخی روایات زیر که این واژه را در کاربرد عام استفاده کرده‌اند:

- نگه داشتن مردم و مخاطبان در حالت خوف و رجا و مایوس ساختن آنان از رحمت خدا و ایمن ساختن آنها از مکر و سخط خدا؛ (الفقیه کل الفقیه من لم یقطع التائب من رحمة الله و لم یؤیسه من روح الله عز و جل و لم یؤیسه من مکرالله)

- زهد در دنیا و رغبت به آخرت به همراه تمتسک به سنت نبی اکرم؛ (إن الفقیه حق الفقیه الزاهد فی الدنيا، الراغب فی الاخرة، المتمسک بسنة التبی)

- زهد در دنیا و رغبت به آخرت به همراه بصیرت در دین و مداومت بر عبادت پرورگار؛ (أما الفقیه، الزاهد فی الدنيا، الراغب فی الاخرة، البصیر بأمر دینه المداوم علی عبادة ربه)

- مخالفت با بدکاران در راه خدا و آشنایی با حیل‌ها و آفت‌های نفس خویش؛ (لا یفقه العبد کل الفقه حتی یمتت الناس فی ذات الله و حتی لا یكون أجد أممت من نفسه)

البته روایات محدودی نیز وجود دارند که در آنها فقه تا پیش از امام صادق(ع) فقط در معنی متداول و خاص که همان استنباط احکام است به کار رفته است. از جمله روایت منقول از امیرالمؤمنین(ع) که فرمودند: «الفقه ثم المتجر، فان من باع واشتری و لم یستل عن حلال و حرام از تلطم فی الزنا»؛ اول فقه سپس تجارت، کسی که به سراغ خرید و فروش رود بدون آنکه از حلال و حرام بپرسد و آگاه شود در ربا غوطه‌ور می‌شود.

لذا با بررسی روایات فوق و بسیاری از احادیث مشابه، می‌توان به این نتیجه رسید «فقیه» در بیان اهل بیت بیشتر حمل بر معنای عام این کلمه و هم‌راز تعمق‌گری در دین است. به عبارتی آیات و روایات فقیه را به فرد «اسلام‌شناس» و «دین‌شناس» اطلاق می‌توان نمود. این معنای عام و خاص در مجموعه روایات منقول از شیعه و عامه وجود دارد و در دوران صحابه و سلف شایع بوده است. از میان علمای شیعه و اهل سنت نیز به ترتیب شهید ثانی و ابوحامد غزالی این نکته را توجه

محمد بن مسلم را پرورش می‌دهد و واژه فقه چه

در لسان روایات و چه در لسان متشرعان بر اثر کثرت استعمال در خصوص احکام فرعی، به تدریج، حقیقتی دیگر می‌یابد. تا جایی که نمره زحمات ایشان مکتب فقه جعفری را به وجود آورد. در مذهب شیعه و فقه جعفری اصلی‌ترین منابع استنباط احکام در چهار طریق زیر خلاصه می‌شود:

کتاب: بسیاری از اصول و فروع احکام را می‌توان از قرآن کریم استنباط نمود و در تشخیص مسائل بدان رجوع کرد. طبعاً قرآن به عنوان بزرگ‌ترین میراث وحی، در همه حوزه‌های مرتبط با مصالح فرعی دینی از جمله فقه، معتبرترین منبع قابل استفاده برای فریقین محسوب می‌گردد.

سنت: سنت پیامبر مجموعه اعمال و گفتار ایشان در طول حیات است. تقریباً در تمامی مذاهب اهل سنت و شیعه در کنار قرآن به عنوان منبعی برای استنباط احکام تلقی شده است و مهم‌ترین علت استناد به این منبع خود قرآن است که پیامبر و اعمال وی را منطق با وحی و از روی عصمت می‌داند. البته شیعیان از آنجا که علاوه بر پیامبر اکرم(ص) اهل بیت(ع) ایشان را نیز شامل عصمت می‌دانند، در صورت مشخص شدن استحکام و ثقه بودن روایات صادر شده از ناحیه ائمه معصومین(ع) در صدور فتوا از این منابع نیز کمک می‌گیرند.

عقل: شیعه به عنوان مجتبی خردگرا غالباً در طول تاریخ و در استنباط احکام غیر منصوص ارجاع به عقل و روش‌های برهانی داده است. به طوری که فقیه می‌تواند با مدارک و شواهد مستخرج از اصول احکام در آیات قرآن و روایات اهل بیت به نتیجه‌گیری و صدور فتاوی جدید در مسائل مستحدثه اقدام نماید.

اجماع: در تشیع، حجیت اجماع برای احکام شرعی، مستلزم دو امر است: یکی اینکه اجماع، اجماع قدمایی باشد که عصر شان قریب عصر ائمه معصومین(ع) بوده و احتمال مصاحبت آنان با اصحاب ائمه(ع) داده شود، تا آن اجماع، کاشف از ثبوت حکم در زمان آن بزرگواران(ع) باشد، اما اگر اجماعی بین متأخرین از علما منعقد شده است، موجب ثبوت حکم نشده و ارزشی نخواهد داشت؛ دوم آنکه در موردی که اجماع برای آن منعقد شده است، مدرک معتبر وجود نداشته باشد، و الا رجوع به اجماع معنا ندارد. از همین جهت که توجیه اجتماع مشخص شدن تداول یک حکم در عصر معصومین و موافقت -یا عدم مخالفت ایشان با این امر- بوده است، می‌توان اجماع را ذیل همان سنت برشمرد.

منابع اجتهاد در فقه اهل سنت

با توجه به تکرر مشارب فقهی در میان اهل سنت می‌توان بنا بر پذیرش خود عامه از چهار مذهب اصلی، چهار طریقت فقهی را استنباط نمود که عبارت است از: فقه حنفی، فقه مالکی، فقه شافعی و فقه حنبلی.

فقه ابوحنیفه

ابوحنیفه که نخستین پیشوا در بین چهار مذهب اهل سنت است، نخستین بنای اجتهادی در فقه اهل سنت را به جای گذاشت. در نگاه ابوحنیفه، فقه به «مطلق شناخت نفس و آنچه به نفع و ضرر آن است» تعریف می‌شود.

وی به تفکیک محتوای دین در حوزه اعتقادات، اخلاق و احکام می‌پردازد و عقاید را در کتابش به همین نام، «فقه‌الاکبر» می‌خواند و آن را از «فقه‌الصغر» که دربرگیرنده احکام است مجزا می‌نماید. در فقه حنفی، منابعی که برای اجتهاد توسط مجتهد مورد پذیرش قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: کتاب، سنت متواتر، عرف، قیاس، استحسان، اقوال صحابه و اجماع



فقه شیعه به واسطه مدرسه فکری امام صادق(ع) و شاگردان فقیه‌ای که تربیت نمود، به جنبه‌های صدور فتوا و تشخیص مسائل و احکام آنها به عنوان شاکل علم فقه توجه ویژه‌ای کرد و حتی امام صادق قرآن کریم استنباط نمود و در تشخیص مسائل بدان رجوع کرد. طبعاً قرآن به عنوان بزرگ‌ترین میراث وحی، در همه حوزه‌های مرتبط با مصالح فرعی دینی از جمله فقه، معتبرترین منبع قابل استفاده برای فریقین محسوب می‌گردد.

صحابه

کتاب و سنت با تعاریف و تمایزات بیشتر گفته شده در میان شیعیان نیز متداول است اما یکی از نکات مهم در فقه حنفی، حجیت بخشی شرعی به نظر عرف در استنتاج احکام و استخراج فتواست.

موضوع دیگر که به عنوان منبع اجتهاد در فقه حنفی در نظر گرفته شده است، قیاس است. در اصطلاح فقه، قیاس به معنای جاری کردن حکم شرعی یک موضوع بر موضوعی مشابه است که حکمی درباره آن در متون دینی یافت نمی‌شود. به عبارتی می‌توان گفت نخستین کسی که از قیاس به صورت گسترده در فقه استفاده کرد، ابوحنیفه بود.

قیاس خود نوعی دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود. اجمالاً باید گفت فقه شیعه نیز با اصل قیاس مخالف نیست بلکه آن را از جمله برهینی می‌داند که ذیل منابع شناخت «عقل» قرار می‌گیرد.

استحسان

همچنین استحسان در نگاه ابوحنیفه یکی دیگر از منابع اجتهاد است. معنی استحسان عمل به یکی از دو دلیل یا حجت است که قوی‌تر باشد یا به عبارتی ترک یکی از دلایل که در مقابل دیگری ضعیف‌تر است. با این تعریف، گونه‌های مختلفی از استحسان می‌توان برشمرد: «استحسان به نق و اثر» یکی از این گونه‌هاست که در آن به دلیل وجود نص مشخص و واضح، از یک دلیل عقلی یا قیاس دست بکشیم. گونه دیگر «استحسان به اجماع» است که در آن دلیل یا قیاسی به علت وجود اجماع در مسئله کنار گذاشته می‌شود. در «استحسان به ضرورت» عمل به دلیل بنا به ضرورت یا اقتضایی ترک می‌شود. همچنین در «استحسان به مصلحت» ترک عمل به دلیل یا قیاس، به جهت مصلحت عام رخ می‌دهد.

مهم‌ترین دلیل حنفی‌ها برای تأکید بر استحسان به عنوان منبع اجتهاد آیات قرآن همچون آیه شریفه «فَیُشْرِعَ عِبَادَ الَّذِینَ یَسْتَعِیْبُونَ الْقَوْلَ فِیْ تَجَوُّعِ احْسَنَهُ» است.

البته علمای شیعه که به عنوان حجت شرعی برای اجتهاد بر استحسان تأکید نمی‌کنند، در نقد به برداشت از آیه فوق معتقدند مفاد این آیات، پیروی از آنچه خود نیکو می‌پندارند نیست، بلکه آن است که از احسن نیکو کنید که راه تشخیص آن موافقت کتاب و سنت است.

گروهی از علمای شیعه نیز آن گروه از استحسان است که ترک دلیل عقلی به خاطر قول شارع را می‌پذیرند چراکه احکام، تابع مصالح و مفاسدی است که شرع آن را تعیین می‌کند و عقل بشر به آن نمی‌رسد، اما پیروی از آنچه مردم، نیکو می‌پندارند چیزی جز حکم به میل



با توجه به تکرر مشارب فقهی در میان اهل سنت می‌توان بنا بر پذیرش خود عامه از چهار مذهب اصلی، چهار طریقت فقهی را استنباط نمود که عبارت است از: فقه حنفی، فقه مالکی، فقه شافعی و فقه حنبلی

صحت یک فتوا را استخراچ نمود. دلیل این موضوع از نگاه مالکیان، آگاه‌تر بودن مردم این شهر به احکام اسلامی است، زیرا مدینه محل نزول وحی، دارالجهرة، مرکز حدیث، شهر صحابه و انصار و مجمع فقها بوده است. ایشان به این روایت پیامبر(ص) اشاره می‌کنند که فرمود: «بدانید که مدینه چون کوره آهنگری است که ناخالصی‌ها را می‌زاید و خالص‌ها را عرضه می‌دارد و مردم را پاکیزه می‌سازد.»

قیاس منصوص‌العله

این نوع قیاس که مورد استفاده مالکیان در اجتهاد است بر این پایه است که هرگاه حکمی از راه نص معتبر در اختیار مجتهد قرار گیرد و در آن نص، علت حکم نیز به صراحت یا به اشاره بیان شده باشد، مجتهد می‌تواند با تشکیل قیاس درصدد تسری حکم اصل به فرع دیگری برآید. به عنوان مثال اگر شارع مقدس بگوید «لا تشرب الخمر لانه مسکر»؛ (خمر را تحریم کند و بگوید علتش مسکر بودن است) مجتهد می‌تواند این حکم را به ابجو یا سایر مسکرات جدید نیز تسری دهد. در این صورت وی قیاس منصوص‌العله تشکیل داده است. در میان علمای شیعه نیز، اغلب این نوع قیاس را به عنوان برهان عقلی معتبر دانسته‌اند و از آن جمله علامه

کشید سپاهیان دشمن جماعتی از مسلمین را اسیر کنند و آنها را مانند سپر در پیش دارند و آماج شمشیر سازند و ما یقین داشته باشیم که اگر اسیران مسلمان را هدف تیر قرار ندهیم و نکشیم همه مسلمین به قتل می‌رسند و دیارشان به وسیله کفار اشغال می‌گردد. در این جا می‌توان گفت که کشتن اسیران مسلمان دارای مصلحت است.

این نوع اجتهاد نیز از نظر امامیه دارای خلأ فراوان است و نمی‌تواند منبع اجتهاد قرار گیرد. عدم حجیت مطلقاً چنان که جمهور شافعیه بر آنند و نیز امامیه به طوری که صاحب قوانین‌الاصول می‌نویسد این قول را اختیار نموده‌اند.

منابع اجتهاد میان فقهای شافعی و حنبلی

فقه‌های شافعی، از کتاب، سنت، اجماع، قیاس مستنبط‌العله، قیاس تشبیه و تمثیل به عنوان منابع اجتهاد نام می‌برند و فقهای حنبلی نیز، منابع اجتهاد را کتاب، سنت، قیاس منصوص‌العله، قیاس تشبیه، تمثیل و فتاوی صحابه می‌دانند.

حکمی که علت آن ذکر نشده باشد و از طریق آراء و نظر به وجود آید به این قیاس، قیاس مستنبط‌العله یا اجتهاد قیاسی گفته می‌شود. علمای امامیه این قیاس را حجت نمی‌دانند. در قیاس مستنبط‌العله علت حکم در «اصل»، نیامده است، اما فقیه علت آن را حدس زده است. نام دیگر این قیاس، قیاس خفی است.

با توجه به انواع مختلف قیاس، مسئله اصلی مورد اختلاف در آن، قیاس مستنبط‌العله است که امری ظنی است.

عقل، علت را از کلام شارع استنباط می‌نماید، مانند آن که مجتهدی ظن پیدا کند که علت نعلق زکات به گندم این است که گندم یک غذای عمومی است -مصرف عام دارد- آنگاه برنج را به آن، قیاس کند و بگوید: چون برنج نیز یک غذای عمومی است پس باید مشمول حکم زکات گردد.